خبر

انتشار فراخوان هفدهمین جشنواره «فیلم مقاومت»

فراخوان هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت در بخش‌های مختلف منتشر شد. هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت این فراخوان را در محورهای موضوعی هفده‌گانه و در شش بخش اصلی، نسل روایت، دفاع‌مقدس، جهان بدون اسرائیل، روایت قلم و بخش نقد و پژوهش علوم انسانی و سینمای مقاومت منتشر و در اختیار سینماگران و علاقه‌مندان به حضور در این رویداد جهانی قرار داد.

تبیین، تبلیغ و ترویج گفتمان مقاومت در مقابل نظام سلطه، استکبارستیزی ملل مظلوم جهان و مبارزه با صهیونیسم بین‌الملل، گسترش سینمای مقاومت و الهام‌بخشی در خلق آثار سینمایی استبدادستیز و استکبارگریز، ایجاد جریان هنری مقاومت منطقه‌ای و جهانی در مقابل جریان هنری لیبرال و جهانخوار و راهبری موثر در بسط فرمی و محتوایی سینمای مقاومت از جمله رویکردهای این دوره از جشنواره مقاومت است. هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت به همت انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح و با شعار گفتمان مقاومت، نهضت جهانی مستضعفین و آزادی قدس شریف اسفند امسال در خلیج همیشه فارس و دبیری جلال غفاری برگزار خواهد شد. مهلت ارسال آثار تا ۲۲ بهمن است و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات می‌توانند به سایت جشنواره http://moqavematfilmfest.ir/ مراجعه کنید.

دوشنبه‌نوشته‌ها

تحویل بگیرید! مردم برای فوتبال به سینماها رفتند؟!

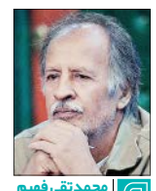

محمدتقی فهیم
گروه فرهنگ و هنر

دوره‌ای از تاریخ سینما را سپری می‌کنیم که تکلیف جریان اصلی آن معلوم خواهد شد. یعنی چاره‌ای نیست که هرکس در هرکجای سینماست به چیزی جز به‌منصه‌رسیدن فیلم خوب قانع نباشد. مولفه‌های فیلم خوب هم که حالا بر همه آشکار است. نقش اول این آوردگاه را باید تماشاگران ایفا کنند. جایگاه ارزشمند تماشاگر باید ملکه ذهن هر مدیر تا تولیدکننده‌ای باشد. دیگر دوران دورریختن پول گذشته است. حرام‌کردن بیت‌المال به بهانه‌های مختلف (پوچ و توجیه) دراین شرایط و زمانه اگر خیانت نباشد، کارنابلدی صرف است که در این صورت هم از بطن و متن آن بوی ناصواب به مشام می‌رسد. این روزها، برخی رسانه‌ها محتوایی مبنی بر مرگ سینما می‌پراکنند! بعضی تولیدکنندگان که برای این اتفاق، تاریخ قریب‌الوقوع هم اعلام کرده و می‌کنند. مروری بر گفت‌وگوهای گروهی از دست‌اندرکاران سینما در رسانه‌های مختلف از طیف‌های متنوع سیاسی اجتماعی نشان می‌دهد که این دسته از فعالان قدیمی و کنونی سینما به‌شدت دچار یأس فلسفی! شده و خط بطلان بر چیزی به نام سینما طی دو سال آینده می‌کشند اما سینما زنده است و نخواهد مرد. فیلم ضعیف و بد جایگاهش را

از دست داده است. ۴۰ سال است جریان اصلی سینما در دست شبه‌روشنفکران و مبتذل‌سازان است. اتفاقی که در هیچ کشور دارای سینما وقوع نداشته است. ممالک دارای سینما (و نه کشورهای مصرف‌کننده) هرگز جریان اصلی تولید فیلم (آثار میانه) را به حال خود رها نمی‌کنند تا به سیاست‌هایی که حامی فیلم‌های لاغر و نحیف شعاری ضدتماشاگر است بچسبند. اگر هنوز فردی در سینما هست که نفهمیده باید بفهمد که مردم هوشیارند و منافع خود را خوب تشخیص می‌دهند، لذا دیگر احدی حاضر به خرج ریالی بابت فیلم‌های افسرده‌ساز و مغایر با سبک زندگی‌شان و عنادورز علیه روح و روان‌شان نیست. آقایان! دائما شرایط اجتماعی و اوضاع اقتصادی و ... را بهانه قرار ندهند که همه اینها فرع بر قضیه هستند. فیلم خوب ساخته شود بی‌مشتری نمی‌ماند. حامیان ارگانی سینما باید در محدوده پروژه‌های بر زمین مانده و به عبارتی استراتژیک فعالیت کنند نه این‌که به ساخت آثار اجتماعی که از عهده بخش خصوصی هم ساخته است ورود کنند.

استقبال مناسب و تقریبا بی‌نظیر جوانان از پخش بازی‌های فوتبال در سالن‌های سینما تا حدی که فروش یک سئانس هنگام پخش فوتبال بیشتر یک فصل اکران فیلم‌های اخیر بوده است، واقعیت غیرقابل انکاری را برای آنهایی برملا کرد که همچنان در پی انواع ادله‌اند تا ضعف و کم‌کاری و کم‌فروشی خود را ماستمالی کنند. حذف سینما از سبد مصرفی خانواده‌ها دقیقا و تحقیقا از متن و محتوا و ساختار فیلم‌های به‌نمایش درآمده سرمنشأ می‌گیرد. فروش بلیت پخش بازی فوتبال در ساعت اول چند پردیس با مخاطبان خانوادگی هم نشان داد که نامناسب‌بودن فیلم‌ها برای گروه‌های سنی مختلف و طیف‌های متنوع از اقشار اجتماعی بخش اعظم ماجراست. در عین این‌که فروش چند انیمیشن در حال اکران نیز حکایت از نیاز خانواده‌ها به فیلم جذاب و سرحال‌کننده دارد. تلاش برای ورود به بازارهای جهانی نیز سازوکار خودش را دارد که نخستین و مهم‌ترین آن تولید فیلم‌های مردم‌پسند است. تجربه سال‌های پشت‌سر نشان می‌دهد که فیلم یخ‌زده و استعاره‌ای و عرفانی و شبه‌سیاسی پول دورریختن است و نهایتا جایش در میدان جشنواره‌ها است که طبعا ثمره‌ای فردی دارد و اساسا چیزی در کاسه تفریحی و لذت جمعی سینما ندارد.

«خانواده فیبلمن» روایت زندگی شخصی کارگردان تراز هالیوود

هالیوود، خانه یهودیان

وقتی اسپیلبرگ سانسور را به رسمیت می‌شناسد

سعید مستغاثی
فرهنگ
مستندساز و کارشناس سینما

در صحنه‌ای از فیلم «خانواده فیبلمن» تازه‌ترین فیلم استیون اسپیلبرگ، سمیوئل فیبلمن جوان یا همان «سمی» که به تازگی با یک دوربین ۸ میلیمتری مشغول فیلم‌سازی آماتور شده به درخواست پدر و برای تسکین احوال مادرش (میتزی) که در سوگ مادر خود نشسته، قرار می‌شود فیلمی را که از یک پیک نیک خانوادگی برداشته، تدوین کرده و در جمع خانواده به نمایش درآورد. سمی در حین مونتاژ فیلم، به صحنه‌هایی برمی‌خورد که حکایت از رابطه نزدیک مادرش به دور از چشم دیگران با دوست نزدیک پدر به نام بنی (که او را عمو بنی صدا می‌کنند) دارد، آنچه برای نخستین بار از پشت دوربین سینما متوجهش شده وی اقدام به حذف و سانسور تمامی صحنه‌های فیلم یاد شده می‌کند. به نظر می‌آید این نخستین بار است که در یک «فیلم در فیلم» سینمای هالیوود، شاهد سانسور با نگاه مثبت و در آوردن صحنه‌های یک رابطه نامشروع هستیم که متاسفانه در برخی آثار سینمای ما به صورت خیلی عادی وجود دارد! آن هم از سوی فیلمسازی که یکی از معروف‌ترین سینماگران پنج دهه اخیر سینمای جهان به شمار آمده و آثار متعددش در فهرست‌های متعدد برترین فیلم‌های این دهه‌ها قرار گرفته‌است.

پیش از این در فیلم سینما پارادیزو (جوزپه تورناتوره-۱۹۸۹) آپاراتچی تک سینمای دهکده‌ای در ایتالیا، بنا به تشخیص کشیش کلیسای دهکده، برای نمایش فیلم در آن سینما، صحنه‌های غیراخلاقی فیلم‌ها را قیچی می‌کرد و بعدا متوجه شدیم که همه آن صحنه‌ها را در حلقه‌ای به یکدیگر چسبانده و پس از مرگش برای شخصیت اصلی فیلم که در کودکی دستیار آپاراتخانه‌اش بود و حالا کارگردان مهمی در هالیوود شده، به ارث گذارد. سمی فیبلمن هم صحنه‌های قیچی‌شده از روابط نزدیک مادرش و عمو بنی را در حلقه‌ای به هم چسباند اما نه برای ایجاد فانتزی پس از مرگ یا نمایشی شیطنت‌آمیز برای دوستان، بلکه برای آن‌که مادرش در پستویی خلوت آن را ببیند و دریابد چرا سمی از او متنفر شده‌است.

صحنه‌هایی که اگر از آن فیلم در نمی‌آمد، عواقب نامطلوبی برای خانواده فیبلمن داشت.

ماجرای سمیوئل فیبلمن و خانواده‌اش در آریزونای آمریکا در واقع به نوعی حدیث نفس استیون اسپیلبرگ و روایتی از زندگی او در سنین ۷ تا ۱۸ سالگی و از اولین برخوردش با پرده سینما (در تماشای فیلم بزرگ‌ترین نمایش روی زمین) تا آغاز کارش در هالیوود بعد از ملاقات جان فورد را در برمی‌گیرد. فیلمی که از ۲۳ سال پیش و به دنبال فیلمنامه‌ای از خواهرش «آن» به نام «خانه خواهم بودم»، ذهنش را برای ساخت یک فیلم شخصی از زندگی و خانواده پدری و چگونه فیلمساز شدنش، مشغول کرد.

اما ترس از این‌که فیلم یاد شده، مادرش لیا و پدرش آرنولد که در همان سنین جوانی او از یکدیگر جدا شده بودند را بیازارد، اسپیلبرگ را از پرداختن به این پروژه بازداشت تا این‌که مادرش در سال ۲۰۱۷ و پدرش در سال ۲۰۲۰ درگذشتند و از آن پس مجددا فکر آن پروژه قدیمی سراغش آمد و در همان قرنطینه کرونایی به اتفاق همکارش، تونی کوشنر به نوشتن فیلمنامه اصلی پرداخت، کاری که اسپیلبرگ پس از فیلم «هوش مصنوعی» دیگر انجام نداده بود.

زندگی سمیوئل فیبلمن یا استیون اسپیلبرگ؟

روایت خانواده فیبلمن تقریبا همه نقاط مهم و تاثیرگذاری که باعث شد سمی (یا در واقع خود استیون اسپیلبرگ) به سمت فیلم‌سازی گرایش پیدا کرده و علی‌رغم مخالفت یا عدم تمایل اعضای خانواده‌اش، پای آن بایستد را در بر گرفته‌است. یعنی همان سیری که خود استیون اسپیلبرگ تا تبدیل شدن به یک فیلمساز طی کرد. از همان زمان که به اجبار پدر و مادرش برای اولین بار در ۷ سالگی به سینما رفته و به تماشای فیلم «بزرگ‌ترین نمایش روی زمین» ساخته سیسیل ب دومیل نشست که برخلاف وعده والدینش مبنی بر رویایی بودن آن، دارای صحنه‌های خشونت‌بار درگیری و قتل و غارت بود، به خصوص صحنه برخورد دو قطار و له شدن اتومبیلی در میان آنها و کشته شدن برخی آدم‌های داستان که تاثیر عجیب و غریبی بر سمی گذاشتند. اما آن تاثیر خشونت‌بار به جای دورکردن سمی از سینما، برعکس او را جذب سینما کرد.

استفاده از دوربین فیلمبرداری کوچک پدرش و ساخت فیلم‌های آماتوری کوتاه با کمک خواهران و دوستانش در خانه و مدرسه و اردوی پیشاهنگی، او را گام به گام به سوی فیلمساز شدن سوق داد. اگرچه در این بین، اوضاع به هم ریخته خانوادگی، مهاجرت از آریزونا به کالیفرنیا به دلیل کار پدر، وضعیت روحی مادرش و دلبستگی او به عمو بنی و بالاخره ترک خانواده، تاثیرات منفی روند علاقه‌مندی سمی به سینما گذاشت؛ اما به هرحال آن علاقه اولیه کار خود را کرد تا بالاخره شبکه CBS از سمی برای ساخت برخی نمایش‌های تلویزیونی دعوت کرد و در اولین حضورش با جان فورد بزرگ دیدار می‌کند. یعنی دقیقا همان اتفاقاتی که برای اسپیلبرگ افتاد و او شروع به ساخت برخی قسمت‌های سریال‌های تلویزیونی دکتر مارکوس ولبی (در ایران پزشک محله) و گالری شبانه و دایره وحشت و ... کرد. اسپیلبرگ اگرچه با تغییر نام خانوادگی سوژه اصلی فیلمش به فیبلمن که شاید خواسته پس از گذشت چند سال از مرگ پدر و مادرش همچنان از آزار روحی آنها پرهیز کند؛ اما در هر بخش از فیلم، واقعیات زندگی خود را به تصویر کشیده به طوری که جزئی‌ترین آن وقایع مثل فیلم‌هایی که بر او تاثیر گذاردند یا آثار کوتاهی که با کمک خواهران و دوستانش ساخت مثل «سفر به ناکجا آباد» را در فیلم خانواده فیبلمن گنجانده‌است. حتی تاکید بر یهودی بودن خانواده فیبلمن، از برگزاری جشن حنوکا گرفته تا حضور دایی بوریس در خانه آنها و خواندن ترانه روسی معروف کاکالین و همچنین مشکلاتی که در دبیرستان از سوی برخی دانش‌آموزان به‌وجود می‌آمد و جدا شدن نخستین دوستش که قصد ازدواج با او را داشت، به طور مستقیم از زندگی خود استیون اسپیلبرگ آمده که مادر و پدرش یعنی لیا و آرنولد هر دو در خانواده‌های مهاجر یهودی روسی به دنیا آمدند و خود اسپیلبرگ در خاطراتش به تحت فشار قرار گرفتن به عنوان یک خانواده یهودی اشاره داشته‌است.

خانه یهودیان

دایی بوریس به سمی نوجوان می‌گوید برخلاف دیگر نقاط آمریکا که گویا برخی مخالفت با یهودیان علنی بوده اما تاکید می‌کند هالیوود خانه یهودی‌ها به شمار می‌رود و این واقعیتی بود که بنیانگذاران هالیوود همگی از مهاجران یهود اروپایی، در واقع فرهنگ و اندیشه‌ها و ارزش‌های یهودی/صهیونی خویش را در قالب فیلم‌های مختلف به نمایش درآوردند. هری وارنر و برادرانش از جمله جک وارنر، متولد لهستان و از یهودیان شرق اروپا که کمپانی برادران وارنر را تاسیس کردند. ساموئل گلدوین، از یهودیان لهستان که همراه لویی بی مه‌یر (از روستایی یهودی‌نشین در روسیه) کمپانی متروگلدوین مه‌یر را بنیان گذاردند. کارل لیمه لی، از دهکده‌ای یهودی‌نشین در آلمان، یونیورسال را تاسیس کرد و ویلیام فاکس (موسس فاکس قرن بیستم) و آدولف زوکر (بنیانگذار پارامونت) هر دو از یهودیان مجارستان بودند. اما برجسته کردن این موضوعات تا حدود یک دهه گذشته در آثار سینمای هالیوود یک تابو محسوب می‌شد و کمتر فیلمسازی به‌رغم تمامی وابستگی‌های یهودی خود، در فیلم‌هایش از یهود و یهودیت در فیلم‌هایش نام می‌برد.

در تاریخ هالیوود نیز همواره این تابو برقرار بوده‌است. چنانچه بنیانگذاران یهودی هالیوود، به‌سان همه اشراف یهود که در طول تاریخ برای نفوذ در جوامع دیگر هویت خویش را پنهان کرده و به رنگ جماعت درمی‌آمدند تا مقاصدشان را عملی کنند (همچون مارانوها در اروپای قرون وسطی و بعد از آن)، آنها نیز با پنهان کردن هویت یهودی خویش، حتی اجازه ندادند فرزندان‌شان از آن مطلع شوند، آنها را به کلیسا و مدارس کاتولیک‌ها فرستادند، کریسمس را جشن می‌گرفتند و برای سالگرد ۴ جولای یعنی روز استقلال آمریکا سنگ تمام می‌گذاشتند. مثلا لویی بی مه‌یر که می‌گفت روز تولد واقعی‌اش را نمی‌داند، تولد خود را در روز چهارم جولای (روز استقلال آمریکا) جشن می‌گرفت و خود را یک یانکی نمونه به مردم معرفی می‌کرد.

آنها حتی نام‌های خویش را تغییر داده و اسامی مسیحی برای خود برگزیدند همچون اغلب بازیگران معروف تاریخ هالیوود، مثلا سوفیا کاوسو تبدیل به «سیلویا سیدنی» شد و دانیلویچ دمسکی به «کرک داگلاس» تغییر نام داد، «لیوجاکوبی» لی جی کاب شد، شرلی شریفت به «شلی وینترز» تبدیل شد. برنارد هرشل شوارتس «تونی کرتیس»، دیوید دانیل کامینسکی «دنی کی»، ایسرائیل ایسکویتس «ادی کانتور»، ملوین هاسلبرگ «ملوین داگلاس»، امانوئل گلدنبرگ «ادوارد جی رابینسن» و مشیلم مه‌یر ویزن فراند «پل مونی» و همچنین لی لی پالمر و جودی هالیدی و لورن باکال که بتی جون پیرسکی بود، همه و همه از اسم‌های یهودی به نام‌های مسیحی تغییر پیدا کردند. در واقع نسل دوم هالیوود و حتی فرزندان و نوه‌های آنها دیگر چیزی از گذشته و مهاجرت و دین و آیین‌شان نمی‌دانستند و مانند یک مسیحی کاتولیک یا پروتستان زندگی می‌کردند. اما با برجسته‌کردن آثار ایدئولوژیک به خصوص آخرالزمانی از اوایل دهه ۹۰ سپس آغاز قرن جدید، از سال‌های میانی دهه دوم قرن بیست و یکم نیز تولید فیلم‌هایی که شخصیت‌های یهودی در مرکزیت آن قرار داشتند افزایش یافت تا این‌که سال ۲۰۱۶ فیلم‌هایی همچون اسپات‌لایت و رکود بزرگ که با قهرمانان رسمی و علنی یهودی وارد میدان شدند و جوایز بسیاری دریافت کردند.

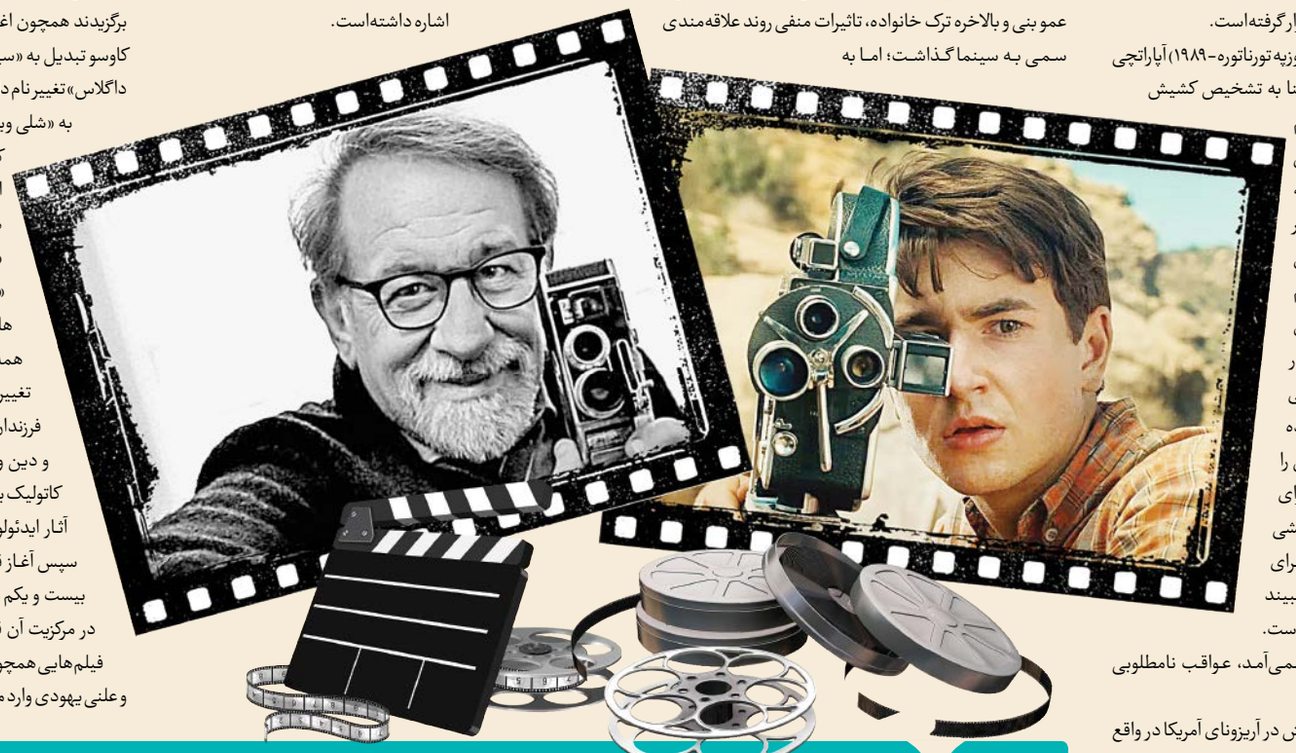

نکته

درسی که جان فورد به اسپیلبرگ داد

صحنه پایانی فیلم و دیدار غافلگیرانه سمی فیبلمن با جان فورد (براساس ملاقاتی که اسپیلبرگ در ۱۵ سالگی با این اسطوره تاریخ سینما داشت)، شاید بتواند همه حرف سینمایی اثر را به سهل‌ترین شیوه بیان کند. صحنه‌ای که شاید همه عشق سینمای استیون اسپیلبرگ را در یک صحنه متبلور کرده و جان ویلیامز هم با موسیقی به‌یاد ماندنی فیلم «جویندگان» ساخته مکس اشتاینر آن را به خوبی همراهی کرده‌است.

«سمی» در اتاق انتظار یک دفتر سینمایی که هنوز نمی‌داند به جان فورد تعلق دارد، با پوستر فیلم‌های فورد مواجه می‌شود و به تدریج برایش روشن می‌شود که به ملاقات چه کسی آمده؛ پوستر فیلم‌هایی مانند: دلیجان، دره من چه سرسبز بود؟، خبرچین، جویندگان، ۳ پدر خوانده، دختری با روبان زرد، خوشه‌های خشم، مرد آرام و فیلم چه کسی لیبرتی والانس را کشت.

اما جان فورد در یک ملاقات کوتاه تنها ۳ جمله به سمی یاد می‌دهد؛ اگر در تصویر خط افق در پایین آن قرار داشته باشد، جالب است، اگر این خط در بالای تصویر باشد بازهم جالب است ولی اگر در وسط یعنی میانه تصویر قرار داشته باشد، کسل‌کننده و مزخرف خواهدبود.

به نظر می‌آید اسپیلبرگ به خوبی این توصیه جان فورد را به کار گرفته، چنانچه در نمای انتهایی فیلم خانواده فیبلمن که سمی از دفتر جان فورد بیرون آمده و خوشحال و راضی به سمت آینده سینمایی‌اش می‌رود، ابتدا خط افق در میانه تصویر قرار دارد، ولی گویا ناگهان فیلمساز به یاد توصیه جان فورد افتاده و دوربین را یک دفعه به سوی بالا برده و خط افق را در پایین تصویر قرار می‌دهد تا نمای پایانی‌اش به قول جان فورد جالب از کار درآید.

قاب

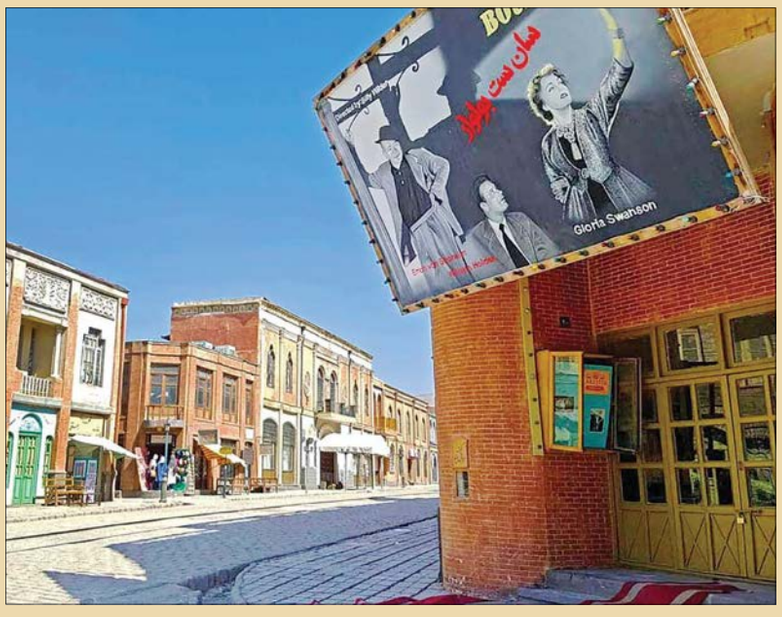

بازگشایی دوباره شهرک غزالی

بازدید عموم از شهرک سینمایی و تلویزیونی غزالی از دیروز ۲۷ آذرماه ممکن شد. بازدید عمومی از این شهرک مدت‌ها به‌دلیل همه‌گیری کرونا تعطیل بود و در ماه‌های اخیر نیز به‌دلیل ساخت‌وسازهای وسیع پروژه‌های تاریخی همچون سریال «سلمان‌فارسی» و بازسازی یک‌سری از لوکیشن‌ها، فعالیت گردشگری آن متوقف بود. در چند ماه گذشته بازدید از این شهرک برای مدتی تنها روزهای پنجشنبه و جمعه میسر شد اما از ۲۷ آذرماه بازدید برای عموم به شکل هر روز هم ممکن شده است.

کد بالا را اسکن کنید

اکران

ثبت قرارداد برای اکران‌های جدید

پس از چند هفته که جلسه‌های شورای صنفی نمایش در خانه سینما خروجی ویژه‌ای نداشت، بالاخره اعلام شد قرارداد سرگروهی فیلم سینمایی «جزیره فضایی» (تورنادو۲) به کارگردانی و تهیه‌کنندگی جواد هاشمی برای اکران به سرگروهی پردیس کورش ثبت شده است و پخش این فیلم را شرکت رسانه فیلمسازان مولود با مدیریت حبیب اسماعیلی به عهده دارد. فیلم جزیره فضایی در ادامه آثار اخیر جواد هاشمی با محوریت گروه سنی کودک و نوجوان است که چند ماه قبل قرار بود اکران شود و باتوجه به شرایط، به این مقطع زمانی رسیده است. اکبر عبدی، کامران تفتی، بهنوش بختیاری، ارسلان قاسمی، الناز حبیبی و عباس جمشیدی‌فر بازیگران این فیلم هستند.

در چند ماه گذشته فیلم‌هایی که در دسته سینمای کودک می‌گنجد، مخاطب قابل توجهی را به سینما کشانده است.

در جلسه شورای صنفی نمایش همچنین با درخواست مصوبه موسسه تصویر شهر برای اجرای طرح سینما نوستالژی در پردیس سینمایی ملت موافقت شده که البته جزئیاتی درباره آن اعلام نشده است.

رویداد

«سینماسلامت» تا ۵ دی تمدید شد

مهلت ارسال طرح به نخستین رویداد ایده‌پردازی سینما سلامت با محوریت کرونا تا ۵ آذر ۱۴۰۱ تمدید شد. نخستین رویداد ایده‌پردازی سینماسلامت اواخر دی‌ماه ۱۴۰۱ به همت بنیاد سینمایی فارابی و با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار می‌شود. این رویداد با موضوع کرونا و دستاوردهای نظام پزشکی کشور در مهار این اپیدمی محورهایی از جمله مواجهه علمی و عملی با کرونا (دستاوردهای علمی و تخصصی مانند تولید واکسن، تولید تجهیزات پزشکی مرتبط با درمان کرونا، کرونا و قرنطینه، تربیت متخصصان و تداوم آموزش پزشکی و...)، خدمات ارائه شده توسط کادر درمان (کووید- ۱۹ و مادرانگی، ارتباط والدین کادر درمان و فرزندان در کرونا)، نمایش قدرت پزشکی و جایگاه مطلوب ایران در منطقه (نقش بانوان متخصص، محدودیت پیوند اعضا در همه‌گیری کرونا، درمان ناباروری در کرونا) و همچنین فعالیت‌های مردمی و جهادی در حوزه سلامت (بازنمایی فعالیت‌های جهادی و بسیج مردمی در کمک به کادر در زمان کرونا) را دربرمی‌گیرد.